

طراحی الگوی خط‌مشی گذاری علم و فناوری

مبنتی بر ارتقاء مشارکت کارکنان در سازمان‌های دانش‌بنیان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۶

احدالله انگزی قدس *

حسن گیوریان **

کرم اله دانش فرد ***

چکیده

یکی از مهمترین مسائلی که باعث شده اهداف تعیین شده در برنامه‌ها و خط‌مشی‌های کلان حوزه علم و فناوری محقق نشود، مشخص نبودن حدود وظایف و اختیارات سازمان‌ها است. در حال حاضر، الگویی در این زمینه، وجود ندارد. این پژوهش، باهدف طراحی الگوی خط‌مشی گذاری علم و فناوری مبتنی بر ارتقاء مشارکت کارکنان در سازمان‌های دانش‌بنیان انجام شده است. برای نیل به این هدف از روش تحقیق کیفی استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه خبرگان دانشگاهی و کارکنان سازمان‌های دانش‌بنیان بودند که با استفاده از نمونه‌گیری گلوله برفی تعداد ۱۶ نفر شامل ۶ خبره دانشگاهی و ۱۰ مدیر سازمان‌های دانش‌بنیان، مورد مطالعه قرار گرفتند. روش گردآوری داده‌ها میدانی بوده است و ابزار گردآوری داده‌ها مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه نیمه ساختاریافته بود. برای به دست آوردن اعتبار و روایی داده‌ها از دو روش بازبینی مشارکت‌کنندگان و مرور خبرگان غیر شرکت‌کننده در پژوهش استفاده شد. تحلیل داده‌ها در طی سه مرحله، کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی انجام شد که شامل ۱۰۶ مضمون کلی است. یافته‌های پژوهش نشان داد الگوی طراحی شده می‌تواند به‌عنوان یک الگوی نظری پایه برای خط‌مشی گذاری علم و فناوری مبتنی بر ارتقاء مشارکت کارکنان در سازمان‌های دانش‌بنیان مورد استفاده قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: الگو، خط‌مشی گذاری علم و فناوری، ارتقاء مشارکت، سازمان‌های دانش‌بنیان

* دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

** دانشیار، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، واحد تهران مرکز و استاد مدعو واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (Has.Givarian@iauctb.ac.ir)

*** استاد و عضو هیئت علمی، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

مشارکت عمومی در فرآیند تصمیم‌گیری‌های سیاسی به دموکراسی در یونان باستان برمی‌گردد و در قرن‌های بعد در معرض تغییرات مداوم بوده است (واگنر، وگت و کبست^۱، ۲۰۱۶: ۴۳۵). از حدود دو دهه پیش مشارکت عمومی وارد عصر جدیدی شده است. گسترش انقلابی فناوری اطلاعات و ارتباطات، راهی که افراد، سازمان‌ها و دولت‌ها برای برقراری ارتباط و تعامل استفاده می‌کردند را تغییر داده است. در این زمینه، به ویژه توسعه رسانه‌های اجتماعی با تبدیل اینترنت از سیستم ذخیره‌سازی و بازیابی اطلاعات ارتباطی منفعل و غیرفعال به یک بستر ارتباطی دوطرفه تعاملی، تأثیر بسزایی داشته است (ویرتز، دیسر و بینکوسکا^۲، ۲۰۱۸: ۱). امروزه مشارکت در بستر جامعه‌ای دموکراتیک و مدنی صورتی نهادینه به خود گرفته است. بنیادی‌ترین اندیشه زیر ساز مشارکت، پذیرش اصل برابری مردم است و هدف از آن، تشریک مساعی افراد در جهت بهبود کیفیت زندگی در تمامی زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است (مهرگان، فقیهی و میرسپاسی، ۱۳۹۷: ۲). مشارکت مردم در فضای جامعه، بی‌تردید مستلزم استقرار یک فلسفه سیاسی بردبارانه و توسعه‌گرایانه از سوی دولت‌ها است. در حقیقت، مشارکت باید به عنوان جزئی از راهبرد شهروندی جامع، پیگیری و منظور شود تا از آن طریق بتوان التزام فوری و نه مقید به امکانات خاص دولت‌ها را به پذیرش تعهدات خویش، در احترام به حمایت و ایفای حق مشارکت به‌مثابه یکی از حق‌های بنیادین بشری خواستار شد (قاری، ۱۳۹۷: ۴۴). این موضوع به‌عنوان راهی برای عمیق‌تر کردن شیوه‌هایی که افراد عادی می‌توانند مشارکت مؤثر در خط‌مشی‌هایی که بر زندگی آن‌ها به‌طور مستقیم تأثیر می‌گذارد، در نظر گرفته شود. در بسیاری از نظام‌های نمایندگی این اجماع وجود دارد که فراتر از فرصت‌های گاه‌گاهی برای رأی‌دهی، باید به شهروندان اجازه داده شود و در واقع، تشویق شوند تا در تصمیماتی که بر آن‌ها اثر می‌گذارد مشارکت کنند (ایانلو و همکاران، ۲۰۱۹: ۲۱). در اسناد و برنامه‌های کلان و بالادستی کشور به ساماندهی و انسجام بخشی نظام مدیریت علم، فناوری و نوآوری تأکید شده است. مدیریت دانش و پژوهش و انسجام بخشی در خط‌مشی گذاری، برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی در حوزه علم و فناوری و ارتقاء مستمر شاخص‌ها و روزآمدسازی نقشه جامع علمی کشور با توجه به تحولات علمی و فنی در منطقه و جهان، ساماندهی و

تقویت نظام‌های نظارت، ارزیابی، اعتبارسنجی و رتبه‌بندی در حوزه‌های علم و فناوری، ساماندهی نظام ملی آمار و اطلاعات علمی، پژوهشی و فناوری جامع و کارآمد از مواردی است که در خط‌مشی‌های حوزه علم و فناوری آمده است (علی پور، ۱۴۰۰). اصلاح ساختارها و نهادهای علم و فناوری و انسجام بخشیدن به آن‌ها در مراحل خط‌مشی گذاری و برنامه‌ریزی کلان از طریق تعیین حدود مدیریت و مالکیت نهادهای مرتبط با حوزه علم و فناوری، بازنگری، اصلاح، یکپارچه‌سازی، ساده‌سازی و به‌روزرسانی قوانین و مقررات نظام علم و فناوری کشور، اصلاح فرآیندها و ساختارهای نظارت و ارزیابی علم، فناوری و نوآوری ملی و تعیین استانداردهای بومی در حوزه علم و فناوری در الگوی نیازهای اقتصادی و اجتماعی کشور، ساماندهی نظام تأمین مالی توسعه علم و فناوری، از جمله راهبردهای کلان و ملی است که در نقشه جامع علمی کشور گنجانده شده است (جمشیدی، ۱۴۰۰). با این حال، در حال حاضر در ایران شهروندان، کمتر در فرایند خط‌مشی گذاری عمومی نقش ایفا می‌کنند. به طوری که این کمبود به عنوان یک چالش و ضرورت تعامل سیستم خط‌مشی گذاری عمومی با شهروندان و جامعه مدنی به‌عنوان یک نیاز اساسی مطرح شده است (رودساز و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۲). فرایند خط‌مشی گذاری با مراحلی از قبیل شناخت و درک مسئله، طرح مسئله و تهیه و تدوین راه‌حل‌ها، قانونی کردن و مشروعیت بخشیدن به خط‌مشی، ابلاغ و اجرای خط‌مشی و ارزیابی خط‌مشی شناخته می‌شود (گرچی پو و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۰). از طرفی نحوه وضع خط‌مشی در نهادها و دستگاه‌های مختلف دولتی، متفاوت است. تدوین هر خط‌مشی باید منطبق بر مدل، اصول و فرآیندهای خط‌مشی گذاری عمومی و الزامات و اقتضانات موردنیاز جوهره همان موضوع باشد. یکی از خط‌مشی‌های مهم عمومی، خط‌مشی‌های علم و فناوری هر کشور است هرچند که این مقوله تا حال چندان که باید و شاید در محافل علمی و خط‌مشی گذاری ملی کشور فراگیر نشده است و این در حالی است که سازمان‌های دانش‌بنیان با داشتن انبوه منابع انسانی، امکانات، تخصص، دانش و حتی خلق نوآوری‌ها می‌توانند به نیازهای پیچیده و در حال تغییر سازمان‌های دانش‌بنیان پاسخ داده و شایستگی‌های خود را با شایستگی‌های خط‌مشی گذاری تلفیق نمایند. علیرغم بحث‌های زیادی که در این زمینه وجود دارد، پژوهش خاصی پیرامون الگوی خط‌مشی علم و فناوری مبتنی بر ارتقاء مشارکت کارکنان در سازمان‌های دانش‌بنیان

صورت نگرفته است. از این رو، هدف این پژوهش طراحی الگوی خط مشی گذاری علم و فناوری مبتنی بر ارتقاء مشارکت کارکنان در سازمان های دانش بنیان است. بنابراین تبیین مدل مناسب نگاشت نهادی در حوزه نهادهای دست اندرکار حوزه علم و فناوری مانند دانشگاه ها، مراکز علمی و پژوهشی، شوراها، وزارتخانه ها و..... می تواند علاوه بر اینکه موجبات تسریع در تحقق اهداف تعیین شده در اسناد بالادستی کشور را فراهم آورد؛ مسائل و مشکلات فراوانی را که ناشی از فقدان حدود مدیریت این سازمان ها به وجود آورده است رفع شود. اینکه چه سازمانی مسئولیت تولی گری یا تصدیگری این حوزه را بر عهده گیرد؟ حدود وظایف و اختیارات سازمان های متولی و متصدی کجاست؟ تسهیل گری و نظارت این حوزه به عهده چه سازمان یا سازمان هایی باشد؟ از جمله مسائلی هستند که با استقرار و اجرای یک مدل بومی نگاشت نهادی می توان آنها را رفع کرد. در نتیجه با توجه به اهمیت ارتقاء مشارکت کارکنان در سازمان های دانش بنیان که تنها بخشی از دستاوردهای آن تشریح گردید، پژوهش حاضر به دنبال آن است که ضمن شناسایی مؤلفه ها و ابعاد دخیل در الگوی خط مشی گذاری علم و فناوری مبتنی بر ارتقاء مشارکت کارکنان در سازمان های دانش بنیان، الگویی پی ریزی کند تا موجبات کشف راه حل های جدید مشارکت، ارزش قائل شدن برای نظرات سایر کارکنان را فراهم کند. از این رو پرسش های تحقیق با توجه به هدف تحقیق به شرح زیر مطرح شده اند:

- (۱) الگوی خط مشی گذاری علم و فناوری مبتنی بر ارتقاء مشارکت کارکنان در سازمان های دانش بنیان چیست؟
- (۲) ابعاد و مؤلفه های الگوی خط مشی گذاری علم و فناوری مبتنی بر ارتقاء مشارکت کارکنان در سازمان های دانش بنیان کدامند؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مبانی نظری

الگو^۳:

الگو نمای ساده ای از برخی جنبه های جهان واقعی و نیز بازسازی و تلخیصی از واقعیت است که با دربرداشتن ویژگی های اصلی از واقعیت، شناخت ما را تسهیل می کند (دای^۴، ۲۰۱۲).

خط‌مشی گذاری علم و فناوری^۵:

مفهوم خط‌مشی گذاری علم و فناوری سعی دارد آینده ممکن و مطلوب را در زمینه علم و فناوری برای یک یا چند جامعه ترسیم و راه‌ها و روش رسیدن به آینده را مشخص کند، امروزه برای پشتیبانی از خط‌مشی گذاری علم و فناوری، به اطلاعات دور اندیشانه بهتری نیاز است، ریشه این نیاز، تعامل میان کاربردهای مهم علم و فناوری و تأثیر گسترده آن‌ها بر اقتصاد، جامعه و محیط زیست، نهفته است. علم و فناوری تعاملات پیچیده‌ای با اقتصاد و جامعه دارند و اثرات آن‌ها اغلب مستقیم و فوری نیست، اغلب تأثیر آن‌ها ثانویه بوده یا حتی در چند دوره بعد بروز می‌کند (انصاری و طباطبایی، ۱۳۸۵). در این راستا آگاهی کامل خط‌مشی گذاران به اصول و مفاهیم خط‌مشی گذاری به منظور اتخاذ سیاست‌ها و راهبردهای کلیدی برای پاسخگویی به چالش‌های پیش روی کشور در حوزه علم و فناوری، از اهمیت بسزایی برخوردار است. در واقع دانش خط‌مشی علم و فناوری حوزه تحقیقاتی میان رشته‌ای و نوظهور است که به دنبال گردآوری اطلاعات، تحلیل‌ها، مدل‌ها و ابزارهای مناسب جهت ایجاد زیرساخت تجربی و معتبر برای خط‌مشی گذاری فعال و علمی است (حیرانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۳). با توجه به نقش پررنگ خط‌مشی گذاری علم و فناوری از سویی و آگاهی از دانش خط‌مشی گذاری علم و فناوری از سوی دیگر، طراحی مدلی در این حوزه و مبتنی بر ارتقاء مشارکت کارکنان در سازمان‌های دانش‌بنیان، موضوع مهمی در کشور است که در این پژوهش بدان پرداخته شده است.

سازمان‌های دانش‌بنیان^۶:

اصطلاح سازمان‌های دانش‌بنیان مفهوم نسبتاً جدیدی است که با ظهور اقتصاد دانش‌بنیان شکل گرفته است. امروزه بسیاری از سازمان‌ها دریافته‌اند که منشأ دارایی و سرمایه اصلی، اطلاعات و منابع دانشی سازمان است. دانش نقش برجسته‌ای را در فعالیت‌های افراد و سازمان‌ها ایفا می‌کند و سرمایه‌های فکری^۷ به تدریج جایگزین سرمایه‌های قابل لمس در کسب و کار می‌گردند (مهدی نژاد نوری و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۳).

سازمان دانش‌بنیان، به سازمانی گفته می‌شود که در فراگرد تولید و ارائه محصول یا خدمت از خلاقیت، نوآوری و دانش جدید استفاده می‌کند، مزیت رقابتی یک سازمان

دانش‌بنیان از طریق دانش و استفاده اثر بخش از آن به دست می‌آید (وانگ و احمد، ۲۰۰۳: ۱۲).

بنابراین منظور از سازمان دانش‌بنیان در این پژوهش، سازمان‌پویایی است که توانایی خلق دانش پویا را داشته و منطبق بر نیاز جامعه با محیط خود همسو شده به نحوی که خودش را دائماً به روز کرده و در جهت حل مسائل پیچیده تلاش می‌کند.

مشارکت^۸:

در تعریفی ساده، مشارکت عمومی را میزان آگاهی و تمایل مردم برای دخالت و اثرگذاری بر خط‌مشی‌های عمومی، اداره امور عمومی و تعیین سرنوشت خود و کشور خود به صورت جمعی، برشمرده‌اند (دوئل^۹، ۲۰۱۵). در واقع مشارکت به عنوان مکانیزم مؤثر در برنامه‌ریزی‌های عمومی و کاهش ریسک تقویت اثر برنامه‌های ملی در آینده است و همچنین مشارکت به عنوان کاتالیزور تغییر اجتماعی است (ایوانس و همکاران^{۱۰}، ۲۰۱۹: ۲). مشارکت به‌طور کلی به دودسته کلی تقسیم می‌شود: نوع اول مشارکت اجتماعی^{۱۱}؛ در این حوزه متضمن انواع فعالیت‌های فردی یا جمعی برای تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌ها و خط‌مشی‌های دستگاه‌های عمومی از سطوح پایین (شهرداری، نظام آموزشی و...) تا سطوح بالاتر (دستگاه‌های عالی قانون‌گذاری، اجرایی و قضایی) است. همکاری مردم در گروه‌ها، برنامه‌های اجتماعی، خاصه انجمن‌های داوطلبانه و سازمان‌های غیردولتی، دال بر مشارکت اجتماعی آن‌ها است که در معنای وسیع، دربرگیرنده انواع کنش‌های فردی و گروهی به‌منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر نهادن بر فرآیندهای تصمیم‌گیری درباره امور عمومی است. از طرفی مشارکت اجتماعی در دو بُعد نوع‌دوستانه و مدنی نیز مورد توجه است: الف) بُعد مشارکت نوع‌دوستانه^{۱۲}، به معنای علاقه و اعتنای فرد نسبت به کنش‌های مبتنی بر اعمال نوع‌دوستانه و اولویت منافع دیگران بر نفع شخصی است، افراد در این وضعیت، به مجموعه فعالیت‌ها و کنش‌های مرتبط با نفع دیگران و بدون چشم‌داشت آنی، مبادرت می‌ورزند. ب) بُعد مشارکت مدنی^{۱۳}، به معنای علاقه و اعتنای فرد نسبت به کنش‌های اجتماعی مرتبط با شکل‌گیری جامعه مدنی است. افراد در این وضعیت، به مجموعه فعالیت‌های مبتنی بر منافع عمومی در قالب شاخص‌های جامعه مدنی مبادرت می‌ورزند.

در این نوع مشارکت منافع و آثار مطلوب مشارکت به صورت غیرمستقیم و در یک فرایند اجتماعی به افراد مشارکت‌کننده بازمی‌گردد (فتحی و میرزا پوری، ۱۳۹۵: ۹۰). نوع دوم مشارکت سیاسی^{۱۴}؛ این مشارکت فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه را در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیرمستقیم در خط‌مشی‌گذاری عمومی است. به عبارت دیگر مشارکت سیاسی فرآیندی که مجموعه افراد جامعه با شرکت در تصمیم‌گیری‌ها در اداره و سازمان‌دهی جامعه سهیم می‌شوند و خط‌مشی‌های عمومی را تبیین و یا بر آن تأثیر می‌گذارند (ملکی، ۱۳۹۷: ۱۰۲).

پیشینه پژوهش:

تاکنون پژوهش‌های متعددی در زمینه ارتقاء مشارکت کارکنان، سازمان‌های دانش بنیان، همچنین عوامل موثر بر ارتقاء مشارکت کارکنان و پیامدهای آن انجام شده است که برخی از آن‌ها در زیر مرور شده است.

رضان پور و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهشی با عنوان "ارائه الگوی عوامل مؤثر بر مشارکت نخبگان در فرایند تدوین خط‌مشی‌های عمومی نظام جمهوری اسلامی ایران" پرداخته است. بر اساس نتایج پژوهش، نشان داد که ایجاد شبکه‌های آموزشی و پژوهشی و فن‌آوری بین دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی و سازمان‌های اجرایی کشور، تأثیرگذارترین عامل و اصلاح رفتار سیاسی-اجتماعی در سطح ملی، تأثیرپذیرترین عامل در بین عوامل احصا شده است.

ثنایی پور (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان "تبیین مبانی فکری سیاست‌گذاری کارآفرینی" پرداخته است. بر اساس نتایج پژوهش، نشان داد که سیاست‌های کارآفرینی از نظر اهداف، ابزار، تمرکز، دوره زمانی، اولویت بندی، نحوه ارزیابی و نتایج، منحصر به فرد بوده و نسبت به سایر مفاهیم مشابه از جمله سیاست‌های توسعه کسب و کار، متفاوت است.

ثنایی پور و جعفری مقدم (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان "تحلیل محتوای سیاست‌های توسعه کارآفرینی در برنامه‌های پنج ساله توسعه کشور" پرداخته اند. بر اساس نتایج پژوهش، یافته‌ها نشان می‌دهد اگرچه بازگویی واژگان کارآفرین، کارآفرینی و کسب و کار، در محتوای برنامه‌های اول تا ششم توسعه با رشد همراه بوده؛ لیکن

سیاست‌های تدوین شده از نظر مولفه‌های مدل توسعه کارآفرینی تناسب چندانی با یکدیگر نداشته و بیشترین توجه، به رفتارها و نتایج کارآفرینانه و سپس به نگرش‌های کارآفرینانه معطوف بوده است. قلی پور سوته و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان " کارآفرینی خط مشی: مطالعه موردی شرکت تولید برق حرارتی " پرداخته اند. بر اساس نتایج پژوهش، ۲۴۴ کد باز، ۸۴ کد گزینشی و ۱۶ مؤلفه اصلی در سه بعد زمینه‌ای، ساختاری و رفتاری ارائه شد. کریمی طرارانی و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان " تأثیر عوامل مؤثر بر خط مشی گذاری پارک‌های علم و فناوری و شرکت‌های دانش بنیان بر بروندهای آن‌ها با نقش میانجی کارآفرینی فناورانه " پرداخته اند. یافته‌های پژوهش نشان داد عوامل شبکه سازی، سازمانی، بعد عوامل نهادی و برون سازمانی، عوامل مؤثر خط مشی گذاری پارک‌های علم و فناوری هستند. جوادی و همکاران (۱۳۹۹)، به ارائه " شناسایی سیاست گذاری جامعه شناختی توسعه کارآفرینی دولتی در ایران " پرداخته‌اند. نتایج نشان داد با مقوله بندی و دسته بندی معیارهای نهایی، تعداد ۹ مقوله اصلی و تعداد ۴۴ مقوله برای شناسایی شاخص‌های سیاست گذاری توسعه کارآفرینی دولتی در ایران حاصل گردید.

بنار و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان " طراحی الگوی سیاست گذاری مبتنی بر هوش تجاری در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با دو رویکرد کلان و تفصیلی " پرداخته اند. بر اساس نتایج پژوهش، اسناد بالادستی و شواهد، تعیین چشم انداز، مأموریت و سیاست‌ها، تعیین اهداف کلان و استراتژی، طراحی مدل و ارزیابی اهداف کلان و استراتژی، تعریف اهداف کمی و عملیاتی، طراحی مدل و ارزیابی اهداف کمی و عملیاتی و انتخاب و تعیین اهداف کمی و عملیاتی به عنوان اجزای شش گانه الگوی طراحی شده، تعیین و تبیین شدند. قلاچی و همکاران (۱۴۰۱)، در پژوهشی با عنوان " شناسایی ملاک‌های اجرای موفق خط‌مشی مالکیت صنعتی " پرداخته اند. بر اساس نتایج پژوهش، ۱۵ مقوله شامل ۱۷۵ ملاک در ارزیابی اجرای موفق خط‌مشی، نتایج و پیامدهای آن تأثیرگذارند.

محمدی و نصراللهی (۱۴۰۱)، در پژوهشی با عنوان " سیاست گذاری رسانه‌های نوین در ایران (مطالعه موردی: سازمان صدا و سیما و مرکز ملی فضای مجازی) " پرداخته اند. بر اساس یافته‌های پژوهش، نقاط ضعف سازمان صدا و سیما در سیاست

گذاری رسانه‌های نوین، بیشتر از نقاط قوت آن بوده و تهدیدهای پیش روی این سازمان نیز بر فرصت‌های آن غلبه دارد. صمدزاده و همکاران (۱۴۰۱)، در پژوهشی با عنوان "خط‌مشی گذاری استراتژیک در برون‌سپاری فناوری اطلاعات (مورد مطالعه: دانشگاه آزاد اسلامی)" پرداخته‌اند. نتایج پژوهش شامل سه مؤلفه تجزیه و تحلیل و تدوین خط‌مشی، اجرای خط‌مشی استراتژیک و ارزیابی خط‌مشی استراتژیک می‌باشد، همچنین برون‌سپاری فناوری اطلاعات شامل ۷ مؤلفه: عملکرد، ارائه خدمات پشتیبانی، فناوری اطلاعات سبز، شکاف کاربردی فناوری اطلاعات، اهمیت استراتژیک، ویژگی‌های سازمان و پروژه و ویژگی‌های تأمین‌کنندگان پروژه می‌باشد. قدمی و همکاران (۱۴۰۱)، در پژوهشی با عنوان "طراحی الگوی خط‌مشی گذاری بانکداری دیجیتال در ایران مبتنی بر رویکرد شبکه‌ای" پرداخته‌اند. بر اساس یافته‌های پژوهش، الگوی طراحی شده شامل: ضرورت‌ها، درونداده‌ها، بازیگران، تعاملات هم‌افزا بین بازیگران و پیامدهای خط‌مشی گذاری شبکه‌ای در حوزه بانکداری دیجیتال می‌باشد. موسوی و همکاران (۱۴۰۱)، در پژوهشی با عنوان "تأثیر حاکمیت فرهنگ مشارکتی بر ارتقای بهره‌وری کارگزاران دانشی با تأکید بر نقش میانجی قابلیت‌های نوآوری و جو نوآورانه در سازمان‌های دانش‌بنیان" پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان داد که فرهنگ مشارکتی بر بهره‌وری کارگزاران دانشی، قابلیت‌های نوآوری و جو نوآورانه در سازمان‌های دانش‌بنیان اثر معنی‌دار و مثبت دارد. ابراهیمیان و همکاران (۱۴۰۱)، در پژوهشی با عنوان "طراحی مدل اجرای خط‌مشی دانشگاه کارآفرین مبتنی بر سیاست‌های علم و فناوری" پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان داد که مدل اجرای خط‌مشی دانشگاه کارآفرین مبتنی بر سیاست‌های علم و فناوری شامل سه بعد حمایت‌ها، الزامات، تعاملات با ۲۰ مولفه و ۹۶ شاخص می‌باشد.

محققین غیر ایرانی نیز پژوهش‌های متعددی در این خصوص انجام داده‌اند که در

ذیل به تشریح آن‌ها می‌پردازیم:

ژوانک^{۱۵} (۲۰۱۶)، در پژوهشی با عنوان "الگوی توسعه پارک‌های علم و فناوری" پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان داد که سند راهبردی این مراکز باید دارای ویژگی‌های زیر باشد: مسائل مالی، سرمایه‌فکری، تعامل، توسعه منطقه، آینده پژوهی، رقابت‌پذیری، شکار استعدادها، تقویت جریان دانش پایدار و رهبری فناورانه. پیسج^{۱۶} و

دیگران (۲۰۱۷)، در پژوهشی با عنوان "سیاست‌های توسعه کارآفرینی و کسب و کارهای کوچک و متوسط را با رویکرد آمیخته اکتشافی و پژوهش موردی" پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان داد که عوامل بخش عمومی بر توسعه فرصت‌های کارآفرینی مؤثرند. لی، سهوی و چوی^{۱۷} (۲۰۱۷)، در پژوهشی به "جایگزینی ویژگی‌های اقماعی در مباحث سیاست: پیامدهای طراحی فرآیندهای مشارکت عمومی" پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان داده است که ترکیبی از ویژگی‌های مرکزی و محیطی در طراحی مشارکت بیشترین تأثیر را دارد، در حالی که تک ویژگی‌ها محدودیت‌هایی دارند. همچنین برای طراحی ابزارهای مشارکت الکترونیکی، به نظر گرفتن جنبه‌های روان‌شناختی شهروندان برای ایجاد انگیزه در مشارکت‌های آن‌ها نیاز است. سوپوایز^{۱۸} (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی روابط بین "سرمایه اجتماعی، مشارکت شهروندان و عملکرد بخش عمومی در تایلند" پرداخته است. یافته‌ها نشان داده است که شبکه‌های اجتماعی، انگیزه و توانایی شهروندان را برای مشارکت در امور عمومی افزایش می‌دهند و از این رو می‌توانند اثربخشی تأمین کالاهای عمومی را افزایش دهند. مقامات استانی و محلی با افزایش منابع دولتی تمایل زیادی به بهبود کالاها و خدمات عمومی ندارند، بنابراین در تایلند جایی که مسئولیت‌پذیری بخش دولتی اغلب ضعیف است، سرمایه اجتماعی و مشارکت شهروندان می‌تواند پاسخگویی و عملکرد بخش عمومی را بهبود بخشد.

هندرسون^{۱۹} (۲۰۱۸)، در پژوهشی با عنوان "زمینه کارآفرینی خط مشی: درک پیدایش راه‌حل‌های جدید خط مشی برای نوآوری خدمات در فنلاند و ایرلند" پرداخته‌اند. یافته‌ها پژوهش شامل: اجرای تحقیقات سیاسی، استفاده از مشاوران متخصص خارجی و شبکه‌سازی در عرصه داخلی / بین‌المللی و تداوم تلاش‌ها، بود. برتون رابرتسون^{۲۰} (۲۰۱۹)، در پژوهشی به بررسی "مطالعه ۴۳ پارک علم و فناوری" پرداخته‌اند. بر اساس یافته‌ها پژوهش، هسته رهبری قوی، محیط توسعه‌ای، تنوع در مبنای تأمین مالی، مرکز علمی قوی و فرهنگ کارآفرینانه یکپارچه. سرمایه اجتماعی و مشارکت شهروندان می‌تواند پاسخگویی و عملکرد بخش عمومی را بهبود بخشد. هی و ما^{۲۱} (۲۰۲۰) در پژوهش خود بیان کرده‌اند که شهروندانی که معتقدند به نظراتشان توسط دولت در نظر گرفته می‌شود، رضایت بیشتری دارند که به نوبه خود منجر به اعتماد

بیشتر به دولت می‌شود. سیمونوفسکی و همکاران^{۲۲} (۲۰۲۱)، در پژوهشی به بررسی "درگیر کردن شهروندان در شهر هوشمند از طریق بسترهای مشارکت: چهارچوبی برای کارمندان عمومی و توسعه‌دهندگان" پرداخته‌اند. در این پژوهش بررسی شد که یک پلتفرم مشارکت باید از چه ویژگی‌هایی برخوردار باشد تا با الزامات شهروندان و کارمندان عمومی همسو شود. بررسی کمی از شهروندان و مصاحبه‌های کیفی کارمندان عمومی برای استخراج این نیازها انجام شده است. مهم‌ترین الزامات شهروندان، دسترسی آزاد، کاربرپسندی و استفاده دولت از ایده‌ها است، در حالی که مهم‌ترین الزامات برای کارمندان عمومی نمایاندن هویت شهر، ویژگی‌های پیشرفته و فراگیر بودن شهر است.

روش پژوهش

این پژوهش دارای رویکرد کیفی است و از نظریه داده بنیاد به عنوان روش پژوهش استفاده کرده است. در تحقیق کیفی حاضر، ابتدا محققان با الهام از ادبیات و مبانی نظری مرور شده به انتخاب چند محور جهت شروع مصاحبه و دریافت تجربیات مصاحبه‌شوندگان پرداخته و این محورها در قالب مقولات اصلی و فرعی تنظیم و با مصاحبه‌شوندگان در میان گذاشته شد. سپس از آن‌ها خواسته شد تجربیات خود را در این زمینه بازگو نمایند. نحوه ساماندهی جلسات مصاحبه به این ترتیب بود که از طریق تلفن یا پست الکترونیک با مصاحبه‌شونده هماهنگی اولیه صورت گرفت. در مرحله بعد متن کامل گفتگوها ضبط و سپس پیاده‌سازی شد. بعد از استخراج جملات کلیدی برحسب فراوانی تکرار آن‌ها و با استفاده از یک نظام مقوله‌بندی و عنوان دهی، با الهام از ادبیات پژوهش، هر مجموعه از جملات کلیدی بر اساس نزدیکی مفهومی و بیان یک مفهوم مشترک تحت عنوان یک مقوله مشخص عنوان‌بندی شد. لازم به ذکر است که مقوله‌بندی جملات کلیدی در ۱۰۶ مقوله صورت گرفته است. جامعه آماری پژوهش حاضر را نخبگان دانشگاهی و مدیران سازمان‌های دانش‌بنیان در جمهوری اسلامی ایران تشکیل دادند.

حجم نمونه مشتمل بر ۱۶ نفر شامل ۶ خبره دانشگاهی و ۱۰ مدیر سازمان‌های دانش‌بنیان بودند، که با رویکرد گلوله برفی انتخاب شدند. مصاحبه‌های عمیقی تا نیل به نقطه اشباع نظری صورت گرفت. با توجه به آن که تحقیق موردنظر در صدد استفاده از راهبرد پژوهشی نظریه داده بنیاد به تصویر روشنی از چگونگی طراحی الگوی خط‌مشی

گذاری علم و فناوری مبتنی بر ارتقاء مشارکت کارکنان در سازمان‌های دانش‌بنیان در قالب یک مدل بپردازد، از سؤال‌های مطابق جدول ۱ استفاده شده است.

جدول ۱- پرسش‌های پروتکل مصاحبه "طراحی الگوی خط‌مشی گذاری علم و فناوری مبتنی بر ارتقاء مشارکت کارکنان در سازمان‌های دانش‌بنیان"

ردیف	پرسش‌های مصاحبه
۱	کمی درباره خودتان و میزان تجربه و تخصصتان در حوزه خط‌مشی گذاری علم و فناوری مبتنی بر ارتقاء مشارکت کارکنان در سازمان‌های دانش‌بنیان ایران توضیح دهید.
۲	شرایط علی حاکم بر الگوی خط‌مشی گذاری علم و فناوری مبتنی بر ارتقاء مشارکت کارکنان در سازمان‌های دانش‌بنیان کدامند؟
۳	مقوله‌های محوری تاثیرگذار الگوی خط‌مشی گذاری علم و فناوری مبتنی بر ارتقاء مشارکت کارکنان در سازمان‌های دانش‌بنیان کدامند؟
۴	شرایط بسترساز الگوی خط‌مشی گذاری علم و فناوری مبتنی بر ارتقاء مشارکت کارکنان در سازمان‌های دانش‌بنیان را تشریح کنید.
۵	راهبردها و اقدامات لازم جهت پیاده سازی الگوی خط‌مشی گذاری علم و فناوری مبتنی بر ارتقاء مشارکت کارکنان در سازمان‌های دانش‌بنیان را توضیح دهید.
۶	شرایط مداخله گر الگوی خط‌مشی گذاری علم و فناوری مبتنی بر ارتقاء مشارکت کارکنان در سازمان‌های دانش‌بنیان چه می‌باشند؟
۷	پیامدهای بکارگیری الگوی خط‌مشی گذاری علم و فناوری مبتنی بر ارتقاء مشارکت کارکنان در سازمان‌های دانش‌بنیان چیست؟
۸	الگوی مناسب خط‌مشی گذاری علم و فناوری مبتنی بر ارتقاء مشارکت کارکنان در سازمان‌های دانش‌بنیان کدام است؟
۹	چه افرادی را برای پاسخ گویی به این سؤال‌ها پیشنهاد می‌کنید.

پس از دریافت جواب سؤال‌ها، متن مصاحبه‌ها به دقت مکتوب شد و در کنار متن این مصاحبه‌ها، از اسناد و مدارک دست دو برای تبیین بهتر نظریه استفاده گردید. در این پژوهش، به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها پس از مکتوب کردن مصاحبه‌ها، داده‌های جمع‌آوری شده از طریق کدگذاری واکاوی شد و طی سه مرحله کدگذاری باز^{۲۳}؛ محوری^{۲۴} و انتخابی^{۲۵} طبقه‌بندی گردید (کوهن، مانیون و ماریسون^{۲۶}، ۲۰۰۷).

برای بررسی روایی و پایایی، بنا به معیارهای ارائه شده توسط "کرسول و میلر"

به‌منظور حصول اطمینان از روایی پژوهش یا به عبارتی دقیق بودن یافته‌ها از منظر پژوهشگر، مشارکت‌کنندگان یا خوانندگان گزارش پژوهش اقدامات زیر انجام شد:

(۱) تطبیق توسط اعضا: مشارکت‌کنندگان گزارش نهایی پژوهش، فرایند تحلیل و مقوله‌های به‌دست‌آمده را بازبینی و نظر خود را در ارتباط با آن‌ها ابراز کردند.

(۲) بررسی همکار: چند نفر از دانشجویان دکتری مدیریت و اعضای هیئت‌علمی دانشگاه که در مصاحبه‌ها مورد مشارکت قرار نگرفته بودند، به بررسی یافته‌ها و اظهارنظر درباره آن‌ها پرداختند.

(۳) مشارکتی بودن پژوهش: به‌طور هم‌زمان از مشارکت‌کنندگان در تحلیل و تفسیر داده‌ها استفاده شد.

(۴) بازخور مشارکت‌کننده: تفسیرها و نتایج به مشارکت‌کنندگان ارائه و موارد بد درک شده تعیین و اصلاح شدند.

(۵) دریافت نظرات همکاران خبره: تبیین‌ها و نتایج توسط همکاران و خبرگان مورد بازبینی قرار گرفت و نظرات اصلاحی آن‌ها اعمال گردید.

همچنین، استراتژی‌های بهبود پایایی در این پژوهش به‌صورت زیر بوده است:

(۱) هدایت دقیق جریان مصاحبه برای گردآوری داده‌ها: در پژوهش حاضر مطابق با استانداردهای پژوهش‌های کیفی، راهنمای مصاحبه طراحی و مصاحبه‌ها با رعایت اصول علمی و اخلاقی برگزار گردید.

به‌منظور اطمینان از پایایی نتایج مصاحبه‌ها، پس از کدگذاری اولیه، در فاصله زمانی کوتاهی کدگذاری‌ها بازبینی شد و نظرات تکمیلی آنان دریافت شد.

(۲) ایجاد فرایندهای ساختمند برای اجرا و تفسیر مصاحبه‌ها: در فرایند مصاحبه‌ها، هر مصاحبه به‌طور جداگانه ثبت و سپس، پیاده‌سازی شد تا اطمینان حاصل شود که چیزی نادیده گرفته نمی‌شود. مصاحبه‌ها در محیط‌های آرام برگزار و پس از جمع‌آوری، داده‌ها با استفاده از روش‌های کدگذاری با رویکرد نظریه داده بنیاد تحلیل و تفسیر شدند.

(۳) استفاده از کمیته تخصصی: کلیه فرایندهای این پژوهش با نظارت اساتید مدیریت صنعتی و مدیریت فناوری اطلاعات انجام گردید.

در ادامه پاسخ دو مصاحبه شونده به سؤال هفتم پژوهش آورده شده است:

"همان‌طور که در صحبت‌های قبلی عرض کردم پیامدهای بکارگیری الگوی

خط‌مشی‌گذاری علم و فناوری مبتنی بر ارتقاء مشارکت کارکنان در سازمان‌های دانش‌بنیان می‌تواند در سطوح مختلفی از فرد، سازمان و اجتماع را پوشش دهد که در واقع در سطح فردی قطعاً افزایش رضایت‌مندی و آرامش می‌تواند نتیجه مشارکت باشد. به نحوی که مشکل یابی از طریق مشارکت قابل‌دستیابی‌تر است... در سطح سازمان نیز با ارتقاء مشارکت است که می‌توانیم از شایسته‌سالاری حرفی به میان آوریم... منجر به کاهش هزینه‌های سازمانی و در واقع تواند منجر به رفع مشکلات موجود در سازمان بشود... (مصاحبه‌شونده شماره ۳).

"بله درست می‌فرمایید پیامدهای بکارگیری الگوی خط‌مشی‌گذاری علم و فناوری مبتنی بر ارتقاء مشارکت کارکنان در سازمان‌های دانش‌بنیان در این شرایط کمک مناسبی به فرد، سازمان، اجتماع، کل‌ملت و حتی در سطح بین‌المللی خواهد کرد... حالا با ارتقاء مشارکت کارکنان در سازمان‌های دانش‌بنیاد، به نظر من شاهد افزایش تمایل سایر کشورها به همکاری با سازمان‌های دانش‌بنیاد خواهیم بود... به طوری که می‌توان گفت تولیدات این سازمان‌ها بیشتر شده و منجر به کاهش خروج ارز از کشور و در نتیجه افزایش توان تولید داخلی، افزایش علاقه‌مندی در بین سازمان‌های دانش‌بنیان، کاهش فشارهای دیپلماسی و سیاسی خواهد شد. که در واقع منجر به حضور در بازارهای بین‌المللی خواهد شد... (مصاحبه‌شونده شماره ۹).

در ادامه در جدول ۲، خلاصه‌ای از اطلاعات مصاحبه‌شوندگان آورده شده است.

جدول ۲- خلاصه‌ای از اطلاعات مصاحبه‌شوندگان

ردیف	زمینه فعالیت	جنسیت	تحصیلات	رشته تحصیلی	سابقه مدیریت	سن
۱	دانشیار گروه مدیریت	مرد	دکترا	مدیریت صنعتی	۲۷	۶۷
۲	دانشیار گروه مدیریت	مرد	دکترا	مدیریت صنعتی	۲۰	۶۸
۳	دانشیار گروه مدیریت	مرد	دکترا	مدیریت کارآفرینی	۲۵	۶۸
۴	دانشیار گروه مدیریت	زن	دکترا	مدیریت کارآفرینی	۲۳	۶۰
۵	استادیار گروه مدیریت	مرد	دکترا	مدیریت فناوری اطلاعات	۱۶	۵۵
۶	استادیار گروه مدیریت	زن	دکترا	مدیریت فناوری اطلاعات	۱۵	۵۰
۷	نماینده اسبق مجلس	مرد	دکترا	مدیریت فناوری اطلاعات	۲۱	۵۵
۸	نماینده اسبق مجلس	مرد	دکترا	مدیریت صنعتی	۱۷	۵۴
۹	مشاور اسبق وزیر صمت	مرد	دکترا	مدیریت فناوری اطلاعات	۱۵	۵۶
۱۰	مدیر مؤسسه دانش‌بنیان	مرد	کارشناس ارشد	مهندسی پزشکی	۱۲	۵۰
۱۱	مدیر مؤسسه دانش‌بنیان	مرد	کارشناس ارشد	مهندسی برق	۱۰	۵۴
۱۲	مدیر پژوهشی مؤسسه دانش‌بنیان	مرد	کارشناس ارشد	مهندسی مکانیک	۱۴	۵۷
۱۳	مدیر صنایع تولیدی	مرد	کارشناس ارشد	مهندسی برق	۱۷	۵۵
۱۴	مدیر صنایع تولیدی	مرد	کارشناس ارشد	مهندسی مکانیک	۱۶	۵۷
۱۵	کارآفرین نمونه کشوری	زن	کارشناس ارشد	مهندسی برق	۱۵	۵۶
۱۶	کارآفرین نمونه کشوری	مرد	کارشناس ارشد	مهندسی پزشکی	۱۵	۵۵

یافته‌های پژوهش:

با توجه به نظریه داده بنیاد به تحلیل داده‌ها در قالب کدگذاری باز، محوری و انتخابی پرداخته شده است.

الف) کدگذاری باز:

کدگذاری باز اشاره به بخشی از تحلیل دارد که با عنوان گذاری و مقوله‌بندی پدیده، آن‌طور که داده‌ها نشان داده‌اند سروکار دارد و نیازمند پرسیدن هستند، " مفاهیم " سؤالات و انجام مقایسه‌هاست. محصول عنوان گذاری و مقوله‌بندی که رکن اصلی در نظریه‌پردازی داده بنیاد تلقی می‌شوند. کدگذاری باز شامل تحلیل و کدگذاری داده‌ها، مشخص کردن طبقات و تفسیر آن‌ها بر اساس ویژگی‌های هر طبقه است. همچنین کدگذاری باز داده‌ها، به بخش‌های مجزا خرد شده که برای به دست آوردن شباهت‌ها و تفاوت‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند. منظور از خرد کردن و مفهوم‌پردازی این است که به هر کدام از حوادث، رخدادها و ایده‌هایی که در داده‌ها موجود است برچسبی بدهیم. این نام برچسب یا نشانه‌ای است که به جای حادثه، رخداد یا ایده می‌نشیند. در مرحله بعد، خود مفاهیم بر اساس شباهت‌هایشان طبقه‌بندی می‌شوند که به این کار مقوله‌پردازی گفته می‌شود. عنوانی که به مقوله‌ها (ابعاد) اختصاص داده می‌شود، انتزاعی‌تر از مفاهیمی (اجزایی) است که مجموعاً آن مقوله را تشکیل می‌دهند. مقولات دارای قدرت مفهومی بالایی هستند؛ زیرا می‌توانند مفاهیم و خرده مقولات را بر محور خود جمع کنند. عنوان یا نامی که برای مقولات انتخاب می‌شوند باید بیشترین ارتباط را با داده‌هایی که مقوله نمایانگر آن است، داشته و آن قدر با آن همخوان باشد که بتوان آنچه بیان می‌کند را به سرعت به یاد آورد و درباره‌اش فکر کرد. مضامین نیز از کنار هم قرار گرفته مقولات مرتبط ایجاد می‌شوند. نمونه‌ای از نتایج فراگرد کدگذاری باز در این تحقیق، در قالب مقوله‌های استخراج شده از مفاهیم در جدول ۳ ذکر شده‌اند. به منظور جلوگیری از طولانی شدن حجم مقاله از ارائه موارد تکراری و تعاریف تفصیلی مقولات ذکر شده خودداری شد؛ و نمونه‌ای از مصادیق مرتبط جهت آشنایی مخاطبان گرامی ارائه شده است.

جدول ۳- نتایج کدگذاری باز

مضامین	ابعاد	تعداد کد	نمونه‌ای از مصادیق مرتبط
سازمانی	(۱) مأموریت	۱۱	در رویکرد و مأموریت باید نگاهی ویژه به ارتقاء مشارکت شود.

مضامین	ابعاد	تعداد کد	نمونه‌ای از مصادیق مرتبط
	۲) چشم‌انداز	۳	ارتقاء مشارکت در چشم‌انداز سازمان‌های دانش‌بنیان است.
	۳) تعیین اهداف	۵	تعیین اهداف با رویکرد ارتقاء مشارکت صورت می‌گیرد.
اجتماعی	۱) مهارت‌های ارتباطی	۱۰	مهارت‌های ارتباطی سازمان‌های دانش‌بنیان یکسان نیست.
	۲) تجربه سودمند بودن	۷	ارتقاء مشارکت باعث تجربه‌ای بودن سودمند مشارکت است.
	۳) روحیه بالا جهت مشارکت	۸	داشتن روحیه بالا برای مشارکت رصد شود.
مدیریتی	۱) فرهنگ کار تیمی	۱۲	فرهنگ کار تیمی منجر به ارتقاء مشارکت می‌شود.
	۲) انتقادپذیر بودن مدیران	۱۱	انتقادپذیری مدیران واکنش حمایت از مشارکت است.
	۳) رویکرد حرفه‌ای تعامل	۱۲	رویکرد حرفه‌ای تعامل را گسترش دهید.
ارتقاء مشارکت	۱) گسترش اخلاق	۱۰	ارتقاء مشارکت به معنای گسترش اخلاق است.
	۲) احترام و تکریم سایر افکار و نظرات	۱۲	احترام و تکریم سایر افکار و نظرات با مشارکت حاصل می‌شود.
	۳) نوع دوستی و برابری	۷	نوع دوستی و برابری تحقق شعار مشارکت به معنای واقعی است.
محیطی	۱) اجتماعی	۶	ضمن تغییر عوامل اجتماعی، شرایطی ارتقاء مشارکت حاصل می‌شود.
	۲) فرهنگی	۹	اهمیت فرهنگ مشارکتی به فراموشی سپرده شده است.
	۳) اقتصادی	۱۰	اقتصاد مریض منجر به کاهش مشارکت می‌شود.
	۴) سیاسی	۸	مسائل سیاسی می‌تواند منجر به تغییر مشارکت بشود.
قانونی	۲) ضعف در اجرا	۱۳	در نحوه اجرا ما با شرایط مناسبی روبرو نیستیم.
	۲) نبود بازخورد	۱۴	سیستم مناسبی از بازخورد وجود ندارد.
	۳) نبود سازوکار تغییر قوانین	۷	ما نیازمند سازوکار مناسب جهت تغییر قوانین هستیم.
داخلی	۱) تحصیلات	۷	تحصیلات منجر به خطمشی گذاری عقلایی تری می‌شود.
	۲) فرهنگ سازمانی	۱۰	تا چه اندازه فرهنگ سازمانی مبتنی بر مشارکت است.
	۳) میزان مشارکت	۱۲	میزان مشارکت سازمانی در طیف‌های گسترده‌ای از خیلی زیاد و خیلی کم وجود دارد.
	۴) عدالت سازمانی	۶	عدالت سازمانی در سازمان‌های دانش بنیان متفاوت است.

مضامین	ابعاد	تعداد ردیف	نمونه‌ای از مصادیق مرتبط
انگیزشی	۱) ارتباطات برون سازمانی	۹	ارتباطات برون سازمانی می‌تواند نقش کلیدی در مشارکت داشته باشد.
	۲) رسانه‌ها	۱۰	رسانه می‌تواند کمک به ارتقاء مشارکت داشته باشند.
	۳) حوادث و پیشران‌های محیطی	۷	حوادث و پیشران‌های محیطی می‌تواند میزان سطح مشارکت را تغییر دهد.
کوته‌مدت	۱) اقدامات ادراکی	۷	اقدامات و تغییرات ادراکی منجر به فرهنگ‌سازمانی مشترک می‌شود.
	۲) اقدامات انگیزشی	۸	انگیزش لازم را جهت مشارکت بهبود دهید.
	۳) اقدامات رفتاری	۴	اقدامات رفتاری نیازمند تجزیه و تحلیل اساسی است.
میان‌مدت	۱) اقدامات پژوهشی	۶	با انجام اقدامات پژوهشی می‌توانیم شاهد موفقیت در زمینه ارتقاء مشارکت باشیم.
	۲) اقدامات اجتماعی	۵	برگزاری فعالیت‌های اجتماعی در حوزه ارتقاء مشارکت را سرلوحه امورات خود قرار دهید.
	۳) اقدامات اقتصادی	۱۰	اقتصاد مریض منجر به کاهش مشارکت می‌شود.
بلندمدت	۱) اقدامات فرهنگی	۹	با گسترش برنامه‌های فرهنگی به مشارکت کمک کنید.
	۲) اقدامات قانونی	۸	سازوکارهای قانونی مناسبی باید وضع شود.
فردی	۱) افزایش اعتماد کارکنان	۸	افزایش اعتماد کارکنان بر مشارکت تأثیرگذار آن‌ها نهفته شده است.
	۲) حفظ شأن و جایگاه	۱۰	با مشارکت ما کمک کرده‌ایم که حفظ شأن و جایگاه کارکنان به درستی ترسیم شود.
	۳) برقراری عدالت	۱۱	در مشارکت شاهد برقراری عدالت خواهیم شد.
سازمانی	۱) شفافیت در اقدامات	۹	شفافیت در اقدامات نتیجه و پیامد ارتقاء مشارکت در بین سازمان‌های دانش‌بنیان است.
	۲) شایسته‌سالاری	۱۰	با ارتقاء مشارکت است که می‌توانیم از شایسته‌سالاری حرفی به میان آوریم.
	۳) تسهیل اجرای خط‌مشی‌ها	۹	مشارکت در واقع کمک به تسهیل اجرای خط‌مشی است.
	۴) توسعه پایدار	۹	توسعه پایدار در جامعه ثمره تلاش و ارتقاء مشارکت است.
	۵) ارتقاء پاسخگویی مسئولان	۱۰	مشارکت باعث ارتقاء سطح کمی و کیفی پاسخگویی مسئولان می‌شود.

مضامین	ابعاد	تعداد رد	نمونه‌ای از مصادیق مرتبط
	۶) تحقق اهداف	۱۱	تحقق اهداف در کمترین زمان را با ارتقاء مشارکت جستجو کنید.
اجتماعی	۱) توسعه فعالیت‌های اجتماعی	۱۳	توسعه فعالیت‌های اجتماعی ثمره تلاش و ارتقاء مشارکت سازمان‌های دانش‌بنیان است.
	۲) افزایش آرامش جامعه	۱۰	ارتقاء مشارکت منجر به افزایش آرامش جامعه خواهد شد.
	۳) کاهش آسیب‌های اجتماعی	۱۰	مشارکت خود موجب کاهش آسیب‌های اجتماعی در سطح جامعه است.
	۴) کاهش خروج ارز از کشور	۱۳	کاهش خروج ارز از کشور ثمره مشارکت گسترده است.
	۵) افزایش توان تولید داخلی	۱۴	افزایش توان تولید داخلی با رویکرد ارتقاء مشارکت آسان‌تر به دست می‌آید.
	۶) کاهش فشارهای دیپلماسی و سیاسی	۹	کاهش فشارهای دیپلماسی و سیاسی از وجود سازمان‌های دانش‌بنیان مشارکت پذیر محقق خواهد شد.
	۷) افزایش تولید محتوای محصولات فرهنگی و اجتماعی	۹	افزایش تولید محتوای محصولات فرهنگی و اجتماعی با ارتقاء مشارکت جهت پذیر تر خواهد شد.

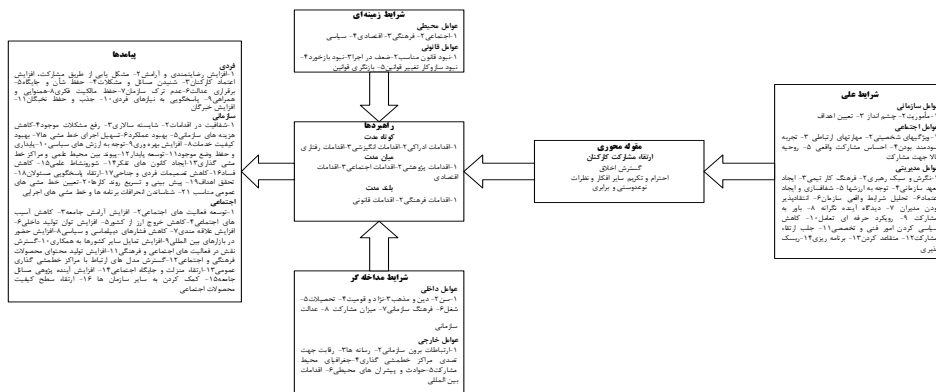
در جدول ۴ برای نمونه اجزای مربوط به بعد اقتصادی از ابعاد مطرح در مضمون عوامل محیطی ذکر و با توجه به تعداد زیاد کدها از بقیه موارد صرف نظر شده است.

جدول ۴- اجزای (مفاهیم) مربوط به بعد (مقوله) اقتصادی

ردیف	مفاهیم
۱	اقتصاد مریض منجر به کاهش مشارکت می‌شود.
۲	شرایط اقتصادی جامعه باعث شده است که بودجه سازمان‌های دانش‌بنیان دستخوش تغییرات گسترده شود.
۳	امروزه اقتصاد ضعیف منجر به کاهش قدرت خرید سازمان‌های دانش‌بنیان شده است.
۴	فرسودگی تجهیزات سازمان‌های دانش‌بنیان بر ارتقاء مشارکت آنان تأثیر منفی گذاشته است.
۵	اکثر مدیران سازمان‌های دانش‌بنیان از دانش کافی اقتصاد و کاربردی در حیطه خود برخوردار نیستند.
۶	شرایط اقتصادی منجر به کاهش برگزاری جلسات هم‌افزایی و ارتقاء مشارکت شده است.
۷	شرایط اقتصادی منجر به تفاوت در نوع مأموریت و در نتیجه کاهش ارتقاء مشارکت شده است.
۸	عوامل اقتصادی منجر به تمرکز مدیران بر روی مسائل روزمره شده است.
۹	شرایط اقتصادی پیش‌بینی‌های که منجر به ارتقاء مشارکت می‌شود را کاهش داده است.
۱۰	مشکلات اقتصادی منجر به کاهش انگیزه کارکنان به ارتقاء مشارکت شده است.

ب) کدگذاری محوری:

هدف این مرحله، برقراری رابطه بین ابعاد (مقولات) تولیدشده در مرحله کدگذاری باز است. این کار بر اساس یک الگو و سرمشق جامع و کلی موسوم به مدل پارادایم انجام می‌شود و به نظریه پرداز کمک می‌کند تا تئوری فرایند اجتماعی مورد مطالعه را راحت‌تر توسعه دهد. اساس فرایند ارتباط دهی در کدگذاری محوری بر تمرکز و تعیین یک مقوله به‌عنوان مقوله محوری یا اصلی قرار داشته و سپس سایر مقولات، به‌عنوان مقولات فرعی، ذیل عناوین مختلف مدل پارادایم به مقوله اصلی ارتباط داده می‌شوند (استراوس و کوربین^{۲۷}، ۱۹۹۸: ۱۲۴). در واقع الگوی مفهومی مناسب مربوط به سؤال‌های پژوهش (شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهای الگوی خط‌مشی گذاری علم و فناوری مبتنی بر ارتقاء مشارکت کارکنان در سازمان‌های دانش‌بنیان کدام اند؟) به‌صورت کدگذاری محوری نتایج در شکل ۱ بیان شده است.

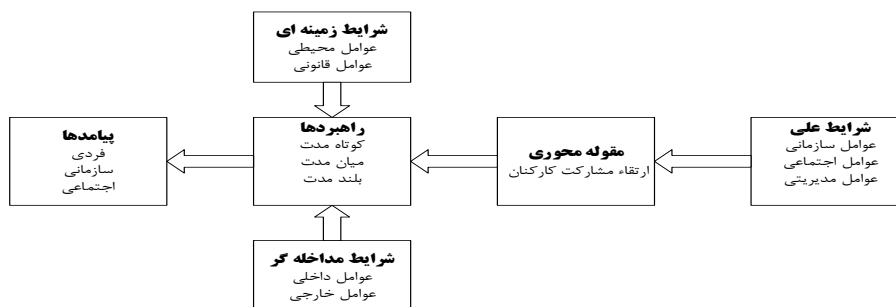


شکل ۱- کدگذاری محوری بر اساس مدل تحقیق

ج) کدگذاری انتخابی (مرحله نظریه پردازی):

در این مرحله می‌توان مطابق با شکل ۲ مدل ترسیمی ارائه‌شده برای پاسخ به سؤال دیگر پژوهش (الگوی خط‌مشی گذاری علم و فناوری مبتنی بر ارتقاء مشارکت کارکنان در سازمان‌های دانش‌بنیان چگونه است؟) نظریه و توضیح ارائه داد. پژوهش حاضر درصدد

بود که با بهره‌گیری از روش کیفی به مطالعه الگوی خط‌مشی گذاری علم و فناوری مبتنی بر ارتقاء مشارکت کارکنان در سازمان‌های دانش‌بنیان بپردازد که بر اساس آن منجر به خط‌مشی گذاری علم و فناوری مبتنی بر ارتقاء مشارکت کارکنان در سازمان‌های دانش‌بنیان می‌شود. به طوری که برای بعد "شرایط علی" ۳ مؤلفه شامل: ۱- عوامل سازمانی، ۲- عوامل اجتماعی، ۳- عوامل مدیریتی انتخاب شد. برای بعد "پدیده محوری" ۱ مؤلفه شامل: ارتقاء مشارکت کارکنان انتخاب شد. برای بعد "عوامل مداخله‌ای" ۲ مؤلفه شامل ۱- عوامل داخلی، ۲- عوامل خارجی انتخاب شد. برای بعد "عوامل زمینه‌ای" ۲ مؤلفه شامل: ۱- عوامل محیطی، ۲- عوامل قانونی انتخاب شد. برای بعد "راهبردها" ۳ مؤلفه شامل ۱- راهبرد کوتاه‌مدت، ۲- راهبرد میان‌مدت، ۳- راهبرد بلندمدت انتخاب شد. برای بعد "پیامدها" ۳ مؤلفه شامل: ۱- پیامدهای فردی، ۲- پیامدهای سازمانی، ۳- پیامدهای اجتماعی انتخاب شد. همان‌گونه که گفته شد، هدف از کاربست روش داده‌بنیاد، تولید نظریه است نه توصیف صرف پدیده. برای تبدیل تحلیل‌ها به نظریه، طبقه‌ها باید به‌طور منظم به یکدیگر مربوط شوند. کدگذاری انتخابی (بر اساس نتایج دو مرحله پیشین کدگذاری)، مرحله اصلی نظریه‌پردازی است. به این ترتیب که طبقه محوری را به شکل سامانمند به دیگر طبقه‌ها ربط داده و آن روابط را در الگوی یک روایت ارائه می‌کند و طبقه‌هایی را که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز دارند، اصلاح می‌نماید. در این مرحله، پژوهشگر برحسب فهم خود از متن پدیده مورد مطالعه، به صورت ترسیمی، نظریه نهایی را متجلی می‌سازد. با توجه به اینکه هدف از مطالعه حاضر، ارائه الگوی خط‌مشی گذاری علم و فناوری مبتنی بر ارتقاء مشارکت کارکنان در سازمان‌های دانش‌بنیان است. این پژوهش، ضمن بررسی دیدگاه‌ها و تجارب خبرگان مدیریت، به ارائه الگوی موصوف همت گماشته است. نتایج پژوهش به‌منظور پاسخ به سؤالات، منجر به شکل‌گیری الگویی گردید که شامل شش بعد اصلی شامل بستر، شرایط علی، مقوله محوری، راهبردها، شرایط مداخله‌گر و پیامدها مدنظر قرار می‌داد. همچنین بین شرایط علی، زمینه حاکم و شرایط مداخله‌گر ارتباطی نهفته است؛ این ارتباط بر این نکته دلالت دارد که شاید بتوان چنین تحلیل کرد که شرایط علی بر زمینه حاکم و شرایط مداخله‌گر نیز اثرگذار است هرچند این تحلیل قابل تأمل است ولی پذیرش آن نیازمند انجام پژوهشی جداگانه است.



شکل ۲- الگوی نهایی خط‌مشی‌گذاری علم و فناوری مبتنی بر ارتقاء مشارکت کارکنان در سازمان‌های دانش‌بنیان

قضایای تئوریک پیشنهادی بر اساس الگوی خط‌مشی‌گذاری علم و فناوری مبتنی بر ارتقاء مشارکت کارکنان در سازمان‌های دانش‌بنیان:

قضایای تئوریک، روابط کلی بین طبقه محوری و سایر طبقات را نشان می‌دهند و به طوری که در نهایت به نتیجه و پیامد منجر خواهند شد. قضایا شامل روابط و ساختار مفهومی هستند که در نظریه مطرح در شکل ۳ بیان شده است، در این پژوهش بر اساس روایت پژوهش و الگوی ارتقاء مشارکت سازمان‌های دانش‌بنیان در خط‌مشی علم و فناوری، ۶ قضیه به شرح زیر مطرح می‌شوند. از آنجاکه تئوری داده بنیاد به تولید روابط مفهومی منجر می‌شود، هر یک از قضایای زیر در قالب فرضیه در پژوهش آتی قابل بررسی و سنجش هستند.

قضیه ۱: عوامل سازمانی (مأموریت، چشم‌انداز و تعیین اهداف)؛ عوامل اجتماعی (ویژگی‌های شخصیتی، مهارت‌های ارتباطی، تجربه سودمند بودن، احساس مشارکت واقعی و روحیه بالا جهت مشارکت) و عوامل مدیریتی (نگرش و سبک رهبری، فرهنگ کار تیمی، ایجاد تعهد سازمانی، توجه به ارزش‌ها، شفاف‌سازی و ایجاد اعتماد، تحلیل شرایط واقعی سازمان، انتقادپذیر بودن مدیران، دیدگاه آینده‌نگرانه، باور به مشارکت، رویکرد حرفه‌ای تعامل، کاهش سیاسی کردن امور فنی و تخصصی، جلب ارتقاء مشارکت، متقاعد کردن، برنامه‌ریزی و ریسک‌پذیری) به‌عنوان شرایط علی بر مقوله محوری ارتقاء مشارکت تأثیرگذار هستند.

قضیه ۲: گسترش اخلاق، احترام و تکریم سایر افکار و نظرات و نوع دوستی و برابری

از بخش‌های اصلی ارتقاء مشارکت است، ارتقاء مشارکت به‌عنوان مقوله محوری بر راهبردهای کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت (قضیه ۵) مؤثر خواهد بود.

قضیه ۳: عوامل داخلی (سن، دین و مذهب، نژاد و قومیت، تحصیلات، شغل، فرهنگ‌سازمانی، میزان مشارکت و عدالت سازمانی) و عوامل خارجی (ارتباطات برون‌سازمانی، رسانه‌ها، رقابت جهت تصدی مراکز خط‌مشی گذاری، جغرافیای محیط مشارکت، حوادث و پیشران‌های محیطی و اقدامات بین‌المللی) به‌عنوان شرایط مداخله‌گر بر راهبردهای کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت مؤثر خواهد بود.

قضیه ۴: عوامل محیطی (اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی) و عوامل قانونی (نبود قانون مناسب، ضعف در اجرا، نبود بازخورد، نبود سازوکار تغییر قوانین و بازنگری قوانین) به‌عنوان شرایط زمینه‌ای بر راهبردهای کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت مؤثر خواهد بود.

قضیه ۵: ارتقاء مشارکت کارکنان در سازمان‌های دانش‌بنیان پیامد و نتیجه راهبردهای کوتاه‌مدت (اقدامات ادراکی، اقدامات انگیزشی و اقدامات رفتاری)، راهبردهای میان‌مدت (اقدامات پژوهشی، اقدامات اجتماعی و اقدامات اقتصادی) و راهبردهای بلندمدت (اقدامات فرهنگی، اقدامات قانونی) است.

قضیه ۶: ارتقاء مشارکت به‌طور خاص با این موارد مشخص می‌شوند: پیامدهای فردی (افزایش رضایت مندی و آرامش، مشکل یابی از طریق مشارکت، افزایش اعتماد کارکنان، شنیدن مسائل و مشکلات، حفظ شأن و جایگاه، برقراری عدالت، عدم ترک سازمان، حفظ مالکیت فکری، هم‌نوایی و همراهی، پاسخگویی به نیازهای فردی، جذب و حفظ نخبگان و افزایش خبرگان)، پیامدهای سازمانی (شفافیت در اقدامات، شایسته‌سالاری، رفع مشکلات موجود، کاهش هزینه‌های سازمانی، بهبود عملکرد، تسهیل اجرای خط‌مشی‌ها، بهبود کیفیت خدمات، افزایش بهره‌وری، توجه به ارزش‌های سیاسی، پایداری و حفظ وضع موجود، توسعه پایدار، پیوند بین محیط علمی و مراکز خط‌مشی گذاری، ایجاد کانون‌های تفکر، شورونشاط علمی، کاهش فساد، کاهش تصمیمات فردی و جناحی، ارتقاء پاسخگویی مسئولان، تحقق اهداف، پیش‌بینی و تسریع روند کارها، تعیین خط‌مشی‌های عمومی مناسب و شناساندن انحرافات برنامه‌ها و خط‌مشی‌های اجرایی) و پیامدهای اجتماعی (توسعه فعالیت‌های اجتماعی، افزایش

آرامش جامعه، کاهش آسیب‌های اجتماعی، کاهش خروج ارز از کشور، افزایش توان تولید داخلی، افزایش علاقه‌مندی، کاهش فشارهای دیپلماسی و سیاسی، افزایش حضور در بازارهای بین‌المللی، افزایش تمایل سایر کشورها به همکاری، گسترش نقش در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی، افزایش تولید محتوای محصولات فرهنگی و اجتماعی، گسترش مدل‌های ارتباط با مراکز خط‌مشی‌گذاری عمومی، ارتقاء منزلت و جایگاه اجتماعی، افزایش آینده‌پژوهی مسائل جامعه، کمک کردن به سایر سازمان‌ها و ارتقاء سطح کیفیت محصولات اجتماعی).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پژوهش حاضر، باهدف طراحی الگوی خط‌مشی‌گذاری علم و فناوری مبتنی بر ارتقاء مشارکت کارکنان در سازمان‌های دانش‌بنیان با استفاده از روش تحقیق کیفی صورت گرفت است. الگوی مستخرج از تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش در بخش کدگذاری انتخابی در قالب شش مقوله اصلی و ۱۰۶ مقوله فرعی طراحی شد. داده‌های پژوهشی در خصوص گستره مفهومی، بررسی ابعاد و مؤلفه‌های مؤثر بر الگوی خط‌مشی‌گذاری علم و فناوری مبتنی بر ارتقاء مشارکت کارکنان، راهبردهای مربوط به پدیده و الگوی خط‌مشی‌گذاری علم و فناوری مبتنی بر ارتقاء مشارکت کارکنان در این بخش بررسی و تحلیل شده است. اگرچه مطالعات و پژوهش‌های خیلی محدودی به بررسی ارتقاء مشارکت کارکنان پرداخته شده است، ولی همچنان تعریف و یا رویکرد جامعی در مورد ارتقاء مشارکت کارکنان وجود ندارد و در هیچ‌یک از الگوهای ارائه‌شده به ابعاد، مهارت‌ها و فعالیت‌های موردنیاز به گونه جامع و کامل پرداخته نشده است، مطالعات انجام‌شده ماهیتاً قیاسی بودند و در بیشتر موارد، صرفاً به شناسایی ابعادی از این پدیده‌ها با تبیین برخی از مؤلفه‌ها و عوامل مؤثر بر فرآیند و در مواردی به نگرش سنجی مدیران یا کارشناسان پرداخته‌اند. در این پژوهش، کاوش فرآیند با رویکرد اکتشافی و استقرایی، مدنظر پژوهشگران بوده است. یافته‌های این مطالعه حاکی از ۶ مقوله کلی و ۱۰۶ مقوله فرعی است که پس از تحلیل یافته‌ها طی فرآیند کدگذاری باز و محوری و انتخابی، الگوی پارادایمی ابعادی متفاوت از ارتقاء مشارکت کارکنان را بازتاب می‌کند، نتایج به‌دست‌آمده با بخشی از نتایج گزارش‌شده در مطالعات سیمنوفسکی و همکاران (۲۰۲۱)؛ ابراهیمیان

و همکاران(۱۴۰۱)؛ صمد زاده و همکاران(۱۴۰۱)؛ موسوی و همکاران (۱۴۰۱)؛ بنار و همکاران(۱۴۰۰)؛ جوادی و همکاران(۱۳۹۹)؛ رمضان پور و همکاران(۱۳۹۸)، همخوانی دارد، در این راستا یافته‌های پژوهش نشان دادند، اگرچه حمایت سازمانی، فرهنگ مشارکتی در ابتدای راه و در کانون فرایند الگوی خطمشی گذاری علم و فناوری مبتنی بر ارتقاء مشارکت کارکنان است، یعنی برنامه‌های مطلوب که با مشارکت و همفکری مدیران همسو با تحولات نوین جهانی در جهت بالنده نمودن مدیران طراحی و اجرا شود و هدف نهایی اجرای آن تربیت کارشناسان توانمند و خلاق باشد. به احتمال زیاد، تجربه مدیران از شرکت در برنامه‌هایی که در راستای رفع نیازهای آنان طراحی نگردیده و به درستی اجرا شده است، باعث شده است که تدوین برنامه منسجم با مشارکت خودشان مهم‌ترین دغدغه و اولویت آنان در راه رشد و بالندگی باشد. افزایش اقدامات طراحی ارتقاء مشارکت کارکنان اساسی‌ترین راه‌حل دستیابی به رویکردها و رویه‌های آموزشی مؤثر، کارآمد و اثربخش به منظور پاسخگویی به نیازهای سازمان و جامعه، آماده‌سازی کارکنان برای محیط‌ها و موقعیت‌های اجتماعی و شغلی در آینده است. جایگاه و اهمیت حیاتی سازمان‌های دانش‌بنیان و تأثیر آن‌ها بر فرایندها و پیامدهای آن منجر به افزایش سطح کمی و کیفی ارتقاء مشارکت آنان شده است. همچنین انجام پژوهش‌های بیشتر در زمینه شرایط و روش‌های نوین و در سطح گسترده به روشن شدن این امر کمک شایانی خواهد کرد. حال بر مبنای یافته‌های این مطالعه، متصدیان امر خطمشی‌های علم و فناوری می‌توانند شاهد حضور و نقش پررنگ‌تری در زمینه ارتقاء مشارکت کارکنان را داشته باشند. لذا، باید با اتخاذ خطمشی‌های مقررانی، این حضور را تقویت نمایند و از دانش و همکاری‌های همه‌جانبه و بهره‌گیری از ظرفیت ارتقاء مشارکت کارکنان در ایجاد خطمشی‌های مطلوب علم و فناوری و سپس در ارزیابی فرایندها و برنامه‌های اجرا شده بهره ببرند تا در نهایت به اهداف کلان خطمشی‌ها و توسعه پایدار ارائه شده در قالب اسناد ملی نائل گردند. در این زمینه، تدوین برخی قوانین جدید، ارائه اطلاعات در راستای شفاف‌سازی وضعیت مشارکت و شرایط وضع خطمشی‌ها، ایجاد برخی مکانیزم‌های تسهیل حضور در ایجاد و ارزیابی خطمشی‌ها، مانند مکانیزم‌های مشارکتی الکترونیکی، ارائه مشوق‌ها برای حضور بیشتر و حمایت‌های مالی و اعتباری جهت پیش برد اهداف و برنامه‌های خود در راستای خطمشی‌ها مبتنی بر ارتقاء مشارکت کارکنان، از

پیشنهاد‌های این مطالعه است. در نهایت پیشنهاد می‌گردد بر اساس روش مالتی گرنند و مدل ساختاری به تحلیل یافته‌های این پژوهش اقدام شود.

پی‌نوشت‌ها

- | | |
|--|---|
| 1. Wagner, Vegeta and Kebst | 2. Wirtz, Disser and Binkuska |
| 3. Model | 4. Dye |
| 5. Science and technology policy making | 6. Knowledge Based Organization |
| 7. Intellegence Capital | 8. Participation |
| 9. Dueal | 10. Evans et al |
| 11. Social participation | 12. The dimension of altruistic participation |
| 13. The dimension of civic participation | 14. Political participation |
| 15. Juanak | 16. Page |
| 17. Lee, Sehoi, and Choi | 18. Subways |
| 19. Henderson | 20. Robertson |
| 21. Hey and Ma | 22. Simowski et al |
| 23 Open coding | 24. Axial coding |
| 25. Selective coding | 26. Cohen, Manion and Morrison |
| 27. Strauss & Corbin | |

منابع

- آذر، عادل، خسروانی، فرزانه و جلالی، رضا. (۱۳۹۵). تحقیق در عملیات نرم، رویکردهای ساختاردهی مسئله. تهران: سازمان مدیریت صنعتی.
- ابراهیمیان، مرضیه، رجبی فرجاد، حاجیه و کردلوئی، حمید رضا. (۱۴۰۰). طراحی مدل اجرای خط مشی دانشگاه کارآفرین مبتنی بر سیاست‌های علم و فناوری. *نختمشی‌گذاری عمومی در مدیریت*. ۱۳ (۴۷): ۱۶۷-۱۸۳.
- بنار، احد، رضائیان، علی، معماریانی، عزیزالله و معینی، علی. (۱۴۰۰). طراحی الگوی سیاست‌گذاری مبتنی بر هوش تجاری در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با دو رویکرد کلان و تفصیلی. *فصلنامه علمی مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی*. ۱۱ (۴۲): ۷-۴۲.
- ثنائی پور، هادی. (۱۳۹۹). فرا تحلیل مطالعات سیاست‌گذاری کارآفرینی در ایران: تجربیات گذشته و چشم‌اندازهای آینده. *مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی*. ۱۰ (۳۹): ۳۸۹-۴۲۰.
- ثنائی پور، هادی و جعفری مقدم، سعید. (۱۳۹۹). تحلیل محتوای سیاست‌های توسعه کارآفرینی در برنامه‌های پنج ساله توسعه کشور. *سیاست‌های راهبردی و کلان*. ۸ (۳): ۵۳۷-۵۵۸.

- جمشیدی، صید حسین، امینی سابق، زین‌العابدین، ساده، احسان و شیخ‌الاسلامی کندلوسی -نادر. (۱۴۰۰). طراحی مدل اجرای خط‌مشی‌های عمومی در شرکت‌های دولتی پروژه محور نفتی. *فرایند مدیریت و توسعه*. ۳۴ (۲): ۱۵۰-۱۲۷
- جوادی، محمدمرتضی، الوانی، سید مهدی، رضایی میرقائد، محسن، موسی خانی، مرتضی و عظیمی، پرهام. (۱۳۹۹). شناسایی سیاست گذاری جامعه شناختی توسعه کارآفرینی دولتی در ایران. *علوم اجتماعی*، ۱۴ (۴): ۱-۲۶.
- حاجی پور، ابراهیم، فروزند، لطف‌الله، دانایی‌فرد، حسن و فانی، اصغر. (۱۳۹۴). طراحی الگوی آسیب‌شناسی اجرای خط‌مشی عمومی در ایران. *فصلنامه مدیریت نظامی*، ۱۵ (۵۸): ۱-۲۳.
- حیرانی، حسین، باقری مقدم، ناصر و رضوی پور، رضا. (۱۳۹۳). نگاهت خط‌مشی گذاری علم و فناوری در کشور براساس مدل فرآیندی خط‌مشی گذاری (مطالعه موردی: شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری). *سیاست نامه علم و فناوری*، ۳ (۳): ۵۳-۷۲
- رضوی نژاد، سید امین، ملک محمدی، حمیدرضا. (۱۳۹۷). درآمدی تحلیلی بر مسئله شناسی در سیاست‌گذاری امنیتی. *مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، ۸ (۲۷): ۲۶۶-۲۷۹.
- رمضانپور، دانیال، عبدالحمید، مهدی، رضائیان، علی. (۱۳۹۸). ارائه الگوی عوامل مؤثر بر مشارکت نخبگان در فرایند تدوین خط‌مشی‌های عمومی نظام جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه پژوهش‌های مدیریت عمومی*. زمستان ۹۸
- صمدزاده، مسعود، گیوریان، حسن، ربیعی مندجین، محمدرضا و هاشم زاده خوراسگانی، غلامرضا. (۱۴۰۱). خط‌مشی گذاری استراتژیک در برون سپاری فناوری اطلاعات (مورد مطالعه: دانشگاه آزاد اسلامی). *فصلنامه خط‌مشی‌گذاری عمومی در مدیریت*. ۱۳ (۴۵): ۳۵-۴۹
- عابدی جعفری، حسن، تسلیمی، محمدسعید، فقیهی، ابوالحسن و شیخ‌زاده، محمد. (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. *اندیشه مدیریت راهبردی*، ۵ (۲): ۱۹۸-۱۵۱.
- علی پور، فرهاد، رحیمیان، محمد و سدیری جوادی، عاطفه. (۱۴۰۰). تأثیر بیگانه‌پنداری کارکنان نسبت به کار و خط‌مشی‌های سازمان بر نگرش‌ها و رفتارهای آنان. *فرایند مدیریت و توسعه*. ۱۴۰۰: ۳۴ (۳): ۱۱۲-۸۷
- قاری سید فاطمی، سید محمد. (۱۳۹۷). حقوق بشر در جهان معاصر، درآمدی بر مباحث نظری: مفاهیم، مبانی، قلمرو و منابع، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش قدمی، مهدی، موسی خانی، مرتضی، الوانی، سید مهدی و یزدانی، حمیدرضا. (۱۴۰۱). طراحی الگوی خط‌مشی گذاری بانکداری دیجیتال در ایران مبتنی بر رویکرد شبکه‌ای. *فرایند سیاست‌گذاری عمومی*. ۸ (۱): ۱۴۱-۱۲۵

- قلی پور سوته، رحمت اله، محمدی الیاسی، قنبر، شریف زاده، فتاح و باقری، فرشته. (۱۳۹۹). کارآفرینی خط مشی: مطالعه موردی شرکت تولید برق حرارتی. *فصلنامه پژوهش‌های سیاستگذاری و برنامه ریزی انرژی*، ۶(۲۰): ۱۵۷-۱۲۳.
- قلاچی، مسعود، رهنورد، فرج الله و مرتضوی، مهدی. (۱۴۰۱). شناسایی ملاک‌های اجرای موفق خط‌مشی مالکیت صنعتی. *مطالعات مدیریت دولتی ایران*
- کریمی طرارانی، محبوب، شریف زاده، فتاح، میرعلی، سیدنقوی و حسین پور، داود. (۱۳۹۹). تأثیر عوامل مؤثر بر خط‌مشی گذاری پارک‌های علم و فناوری و شرکت‌های دانش بنیان بر بروندادهای آن‌ها با نقش میانجی کارآفرینی فناورانه. *مطالعات مدیریت دولتی ایران*، ۳(۴): ۹۹-۱۲۶
- محمدی، حمید و نصراللهی، اکبر. (۱۴۰۱). سیاست گذاری رسانه‌های نوین در ایران: (مطالعه موردی سازمان صدا و سیما و مرکز ملی فضای مجازی). *فصلنامه علمی رسانه‌های دیداری و شنیداری*، ۱۶(۴۲)، ۸۱-۱۰۸
- موسوی، نجم الدین، فاضل پور، فاطمه، قاسم پور، حامد و میر، سعید. (۱۴۰۱). تأثیر حاکمیت فرهنگ مشارکتی بر ارتقای بهره‌وری کارگزاران دانشی با تأکید بر نقش میانجی قابلیت‌های نوآوری و جو نوآورانه در شرکت‌های دانش بنیان. *فصلنامه مدیریت نوآوری در سازمان‌های دفاعی*. ۵ (۱۵): ۸۴-۵۹
- مهدی نژاد نوری، محمد، سعادت، مجتبی، خسروجردی، علی و فخری، مجید. (۱۳۹۶). طراحی الگوی سازمان‌های دفاعی دانش، *فصلنامه مطالعات راهبردی دفاعی*، ۱۵ (۶۸): ۹۲-۷۱
- مهرگان، فرهاد، فقیهی، ابوالحسن و میرسپاسی، ناصر. (۱۳۹۷). نقش مشارکت سیاسی و نظام دموکراتیک در شکل‌دهی فرهنگ سیاسی (مورد مطالعه: شهروندان کرد در منطقه کردستان عراق) *فصلنامه خط‌مشی گذاری عمومی در مدیریت*، ۹ (۲): ۱۹-۱

- Boenigk, S., Fisk, R., Kabadayi, S., Alkire, L., Cheung, L., Corus, C., ... & Smidt, N. (2021). Rethinking service systems and public policy: a transformative refugee service experience framework. *Journal of Public Policy & Marketing*, 40(2), 165-183.
- Carpenter, D., & Moss, D. A. (Eds.). (2013). *Preventing regulatory capture: Special interest influence and how to limit it*. Cambridge University Press.
- Day, J. C. (2017). *Effective public participation is fundamental for marine conservation—lessons from a large-scale MPA*. *Coastal Management*, 45(6), 470-486.
- Ghazinoory, S., & Aghaei, P. (2021). *Differences between policy assessment & policy evaluation; a case study on supportive policies for knowledge-based firms*. *Technological Forecasting and Social Change*, 169, 120801.

- Innes, A. (2014). The Political Economy of State Capture in Central E Urope. *JCMS: Journal of Common Market Studies*, 52(1), 88-104.
- Monnet, É., Pagliari, S., & Vallée, S. (2014). *Europe between financial repression and regulatory capture* (No. 2014/08). Bruegel Working Paper.
- Wang , Catherine, L., & Ahmad , Perveiz,K. (2003). *Structure & structural dimensions for knowledge –based organization, measuring business excellence*,Vol.,issue 1.
- Wellstead, A. M., & Howlett, M. (2021). (Re) Thinking think tanks in the age of policy labs: The rise of knowledge-based policy influence organisations. *Australian Journal of Public Administration*.

Designing a policy model of science and technology for promoting participation in knowledge-based organizations

Ahadollah Angazi Ghodes¹

Hasan Givarian²

Karamollah Daneshfard³

Abstract:

One of the important issues that has caused the goals set for policies of the science and technology fails to be realized is the lack of definition of boundaries of the tasks and options of the organizations. Therefore, designing a policy model for science and technology for Knowledge based organizations is essential. This research is aimed at designing a science and technology policy model in order to promote the employee's participation in knowledge-based organizations. We used a qualitative approach in this research. The statistical population of the research included 16 experts who made up of six academics and ten managers of knowledge-based organizations, who were selected by snowball sampling. The data collection method was field and the data collection tools were archival studies and semi-structured interviews. In order to obtain the reliability and validity of the data, we asked participants and several non-participant experts to review the data. Data analysis was done in three stages of open coding, axial coding and selective coding, which indicates 106 general themes. The findings of the research show that the obtained model can be used as a theoretical model for the science and technology that promote the employees participation in knowledge-based organizations.

Keywords: Model, science and technology policymaking, promotion of participation, knowledge-based organizations

1. PhD. Student in Public Administration, Department of Public Administration, school of Management and Economics, Islamic Azad University , Tehran, Iran

2. Associate Professor of Department of Public Administration, school of Management , Tehran Central unit, Science and Research Branch, , Islamic Azad University , Tehran, Iran (Has.Givarian@iauctb.ac.ir)

3. Professor, Department of Public Administration, school of Management and Economics, Islamic Azad University , Tehran, Iran